



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری، سال هشتم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، شماره پیاپی ۱۵

ارزیابی نقش میانجی هویت در مفهوم زیست پذیری با استفاده از مدلسازی معادلات ساختاری (مطالعه موردی: بخش مرکزی شهر بجنورد)

فروغ خزاعی نژاد (استادیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه کوثر بجنورد، بجنورد، ایران، نویسنده مسئول)

f.khazaei@kub.ac.ir

سکینه بیگی (مربی صنایع، دانشگاه کوثر بجنورد، بجنورد، ایران)

sakinebeigi@yahoo.com

عاطفه گلیمان وثوقی (دانشجوی کارشناسی، دانشگاه کوثر بجنورد، بجنورد، ایران)

vosoughiatefe@gmail.com

تاریخ تصویب: ۱۴۰۰/۰۷/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۳۰

صص ۱۵۹-۱۴۳

چکیده

شهر زیست‌پذیر از مفاهیم نوین و مؤثر در نظام‌های کنونی شهری است که به واسطه نقش مهم و اساسی که در تحول اندیشه‌ها و آرمان‌های جامعه معاصر دارد، جایگاهی پایسته پیدا کرده است. نظر به اهمیت ارتقاء و بهبود شرایط زیست در بخش مرکزی شهرها از یک سو و تاکید بر مباحث کیفی به جای توجه صرف به کمیت، هدف از پژوهش حاضر، بررسی نقش میانجی‌گرانه هویت در ارتباط بین زیست‌پذیری بخش مرکزی شهر بجنورد با برخی شاخص‌های منتخب و کلیدی این مفهوم است. برای دستیابی به این هدف، مبانی نظری تحقیق با استفاده از مطالعه کتابخانه‌ای و اطلاعات مورد نیاز برای تحلیل با استفاده از ابزار پرسشنامه از ۳۸۴ نفر از ساکنان بخش مرکزی شهر جمع‌آوری شد. به فراخور نیاز تحقیق از نرم‌افزارهای SPSS و Smart PLS برای آماده‌سازی و پردازش داده‌ها استفاده شده است. یافته‌های پژوهش بیان‌کننده معنادار بودن نقش مهم و اثرگذار متغیر هویت و حس تعلق به مکان به عنوان میانجی بر سایر شاخص‌های مورد مطالعه این پژوهش؛ یعنی مشارکت اجتماعی، امنیت و آموزش در میزان زیست‌پذیری بخش مرکزی شهر بجنورد است. بنابراین، متغیر هویت و حس تعلق به مکان نه تنها عوامل مؤثر در زیست‌پذیری یک مکان هستند، بلکه در میزان تاثیرگذاری سایر عوامل و متغیرها نیز نقشی قابل توجه دارند، که این مساله بر اهمیت متغیر هویت و حس تعلق به مکان در مطالعات زیست‌پذیری می‌افزاید. لذا توجه ویژه به این مفاهیم نقشی اساسی در بهبود زیست‌پذیری شهری خواهد داشت.

کلیدواژه‌ها: زیست‌پذیری، متغیر میانجی، هویت و حس تعلق به مکان.

۱. مقدمه

امروزه رشد شتابان شهری یکی از ویژگی‌های اجتناب‌ناپذیر جوامع شده است. رشد سریع جمعیت در سکونتگاه‌های انسانی به ویژه در شهرها در سراسر جهان بر کیفیت زیست جوامع بشری اثرات عمیقی گذاشته است (حناچی، ۱۳۹۶). همزمان با توسعه شهرها و گرایش مردم به شهرنشینی، معادلات اقتصادی و اجتماعی شهرها دچار تحول و دگرگونی شده است. از این رو اگرچه شهرها مکان و شیوه برتر زندگی هستند، بستر و شکل‌دهنده بسیاری از چالش‌های اساسی زندگی شهروندان نیز بوده و در دهه‌های اخیر در بسیاری موارد سرزندگی و زیست‌پذیری خود را از دست داده‌اند (صرافی و همکاران، ۱۳۹۸). بنابراین در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که از جنبه‌های بوم‌شناسی، اجتماعی، فرهنگی و کالبدی بسیار آسیب دیده است و نیازمند چاره‌جویی است. از آنجا که این شرایط، شرح اوضاع و وضعیت بسیاری از شهرهای معاصر است، راهکارهای گوناگونی برای مواجهه با آن ارائه شده است. یکی از آن‌ها زیست‌پذیری است که با تکامل اولویت‌های برنامه‌ریزی و اهمیت پاسخ به نیازهای در حال افزایش جامعه پسا صنعتی که در جست‌وجوی تسهیلات، امکانات و کیفیت زندگی بالاتر و بیشتر است، رونق گرفته است. به عبارت دیگر، به دلیل آگاهی از خطراتی مثل رشد سریع جمعیت، ازدحام و شلوغی، از بین رفتن زمین‌های کشاورزی و فضاهای باز، کمبود مسکن معقول و مناسب، افزایش نابرابری‌های اجتماعی و از بین رفتن حس تعلق به مکان، هویت مکانی و زندگی اجتماعی که کیفیت زندگی جوامع را تهدید می‌کند، زیست‌پذیری بوجود آمده و رشد کرده است (سلیمانی مهنجانی و همکاران، ۱۳۹۵، ص. ۳۴).

اگرچه زیست‌پذیری از مفاهیم و رویکردهای نوین در برنامه‌ریزی شهری معاصر است، اما شاید بتوان ریشه‌ها و بنیان‌های قدیمی چون نظریه آبراهام مازلو (۱۹۴۵) را نیز به آن پیوند داد (خراسانی، ۱۳۹۷، ص. ۲۶۲) واژه شهر زیست‌پذیر به معنای عمومی در طول دهه ۱۹۸۰ و همراه با افزایش رقابت میان شهرهای جهان برای جذب سرمایه‌گذار و سرمایه‌های خارجی و افزایش کیفیت زندگی پدیدار شد (ای آی یو، ۲۰۱۴). از این زمان به بعد این مفهوم مورد توجه بسیاری از پژوهش‌ها و زمینه‌های مطالعاتی با رویکرد بهبود کیفیت زندگی قرار گرفت. از جمله پژوهش‌هایی که در خارج از ایران در این زمینه انجام شده است می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: ^۱ بالساس در پژوهشی با عنوان اندازه‌گیری زیست‌پذیری مرکز شهر تلاش کرده است تا شاخص‌های اندازه‌گیری زیست‌پذیری مراکز شهری را معرفی کند (بالساس ۲۰۱۰، ص. ۴). دانستان ^۲ در سال ۲۰۰۷ می‌کوشد تا مشکلات روش‌شناسی چگونگی اندازه‌گیری زیست‌پذیری در مقیاس محله را حل کند (دانستان، ۲۰۰۷). دوچازل ^۳ با نگاهی ویژه به رابطه سیستمی زیست‌پذیری و پایداری و ترسیم روابط بین این دو می‌پردازد (دوچازل، ۲۰۱۰). در سال ۲۰۱۲ هوهای

1. EIU
2. Balsas
3. Dunstan
_. De chazel

یان^۱ و همکارش در مقاله ارزیابی زیست‌پذیری شهرها کوشش کرده اند تا مدلی برای ارزیابی زیست‌پذیری شهرها ایجاد کنند (هوهای یان و همکار، ۲۰۱۲). در مقاله برنامه‌ریزی فضاهای باز شهری برای بهبود زیست‌پذیری درون-شهری، قنبران و موسوی به اهمیت تاثیر محیط طبیعی شهر بر زیست‌پذیری و پایداری آن پرداختند (قنبران و موسوی، ۲۰۱۴). علاوه بر این پژوهش‌های راجی^۲ و همکاران (۲۰۱۶)، لوکومان^۳ و همکاران (۲۰۱۷)، استو^۴ (۲۰۱۸)، بانک توسعه آسیا^۵ (۲۰۱۹) نیز با روش‌های مختلف در سال‌های اخیر به ارزیابی و سنجش زیست‌پذیری پرداخته‌اند. اما در رابطه با مطالعات زیست‌پذیری در ایران، ناگفته پیداست که روند مطالعه و تحقیق‌های تجربی در ارزیابی و بهبود زیست‌پذیری شهرهای کشورمان در آغاز راه است. ادامه انتشار کتاب‌ها و پژوهش‌های جدید در این زمینه از یک سو حکایت از ضرورت توجه به مباحث زیست‌پذیری و از سوی دیگر نشان از نو بودن آن دارد. پژوهشگران ایرانی با ارزیابی وضعیت محله‌ها و شهرهای کشور و یا روستاهای مناطق مختلف بر اساس شاخص‌های زیست‌پذیری، تحقیق‌های متعددی در این باره انجام داده‌اند که از آن جمله می‌توان به بندرآباد (۱۳۸۹) بومی‌سازی شاخص‌های زیست‌پذیری، ایراندوست و همکاران؛ شناسایی مشخصه‌های جوامع زیست‌پذیر (۱۳۹۲)، خزاعی‌نژاد (۱۳۹۷) شناسایی عوامل کلان مؤثر بر زیست‌پذیری اشاره کرد. با این وجود در ایران، مطالعه زیست‌پذیری به طور اعم و زیست‌پذیری شهری به طور اخص سابقه محدودی دارد و مطالعات اندکی در سطح شهرهای انگشت شماری انجام شده است. از این رو جای آن در ادبیات برنامه‌ریزی شهری معاصر ایران بسیار خالی است. علاوه بر این بیشتر پژوهش‌هایی که انجام شده‌اند نیز به بررسی و سنجش وضعیت موجود زیست‌پذیری شهرها و مناطق و محله‌های آن‌ها پرداخته‌اند و به میزان متفاوت تاثیر شاخص‌های زیست‌پذیری و ارتباط آن‌ها با یکدیگر توجهی نداشته‌اند.

با وجود اجماع در زمینه اهمیت و اجتناب‌ناپذیری این مفهوم و تاکید بر کلیت آن، تنوع گسترده ای از تعاریف برای زیست‌پذیری وجود دارد، به گونه ای که محققان آن را دشوار برای تعریف و اندازه گیری بیان کرده‌اند. ریسنزکی^۶ در این باره می نویسد زیست‌پذیری همچون پیاز است، در ظاهر ساده اما متشکل از لایه‌های متعدد؛ اگر به هر لایه جداگانه و مجزا نگریسته شود کلیت آن از دست می‌رود (فن کمپ^۷، ۲۰۰۳، ص. ۶). مرور تعارف مطرح شده به شاخص‌های مشترک از جمله هویت و حس مکان، حمل و نقل، ارتباطات، چشم‌انداز، فضای باز و عمومی، تفریحات و اوقات فراغت، اقتصاد و اشتغال، مسکن مناسب، امکانات و زیرساخت‌ها، امنیت، مشارکت اجتماعی، امکانات آموزشی و امکانات بهداشت - درمان اشاره دارند. از این رو در تعریف این مفهوم می‌توان گفت زیست‌پذیری زیرمجموعه‌ای از پایداری است که مستقیماً بر ابعاد فیزیکی، اجتماعی-اقتصادی و روانی زندگی مردم تاثیر

e. Hu hai yan

2. Raji

3. Lukuman

4. Stuve

5. Asian Development Bank

6. Rybczynski

7. Van Kamp

می‌گذارد و دربرگیرنده مجموعه‌ای از ویژگی‌های اکتسابی محیط است که آن را به مکانی مطلوب، مناسب و جذاب برای زندگی، کار و بازدید همه مردم تبدیل می‌کند. این ویژگی‌ها به دو دسته عینی (دسترسی به زیرساخت‌های شهری، امنیت، گزینه‌های مختلف جابه‌جایی و حمل‌ونقل، مسکن، سلامت و امکانات بهداشتی، تفریح، فضاهای عمومی جذاب و فرصت‌های اقتصادی) و ذهنی-روانی (حس تعلق به مکان، هویت محلی، سرمایه اجتماعی، همبستگی، عدالت، صمیمیت و راحتی) طبقه‌بندی می‌شود (خزاعی نژاد، ۱۳۹۴، ص. ۷۸). بنابراین تغییرات زیست-پذیری شهری عمدتاً تحت تأثیر تعامل بین محیط و رفتار انسان است (پن^۱ و همکاران، ۲۰۲۱، ص. ۳).

از آنجایی که در سال‌های اخیر بهبود وضعیت زیست‌پذیری شهری به هدف اصلی توسعه شهری تبدیل شده است و ارزیابی معقول از وضعیت زیست‌پذیری شهری و تأثیر آن بسیار مهم است (همان، ص. ۲۱)، هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر میانجی شاخص هویت و حس تعلق به مکان در ارتباط با سه شاخص زیست‌پذیری (مشارکت اجتماعی، آموزش و امنیت) و میزان زیست‌پذیری شهرهاست. به بیان دیگر اگرچه مرور مطالعات متعدد انجام شده در این زمینه حکایت از اهمیت شاخص‌های مختلف مطرح شده در زیست‌پذیری را دارد، اما این پژوهش قصد دارد میزان اهمیت و تأثیر شاخص هویت و حس تعلق به مکان را در زیست‌پذیری شهری نشان دهد. از این رو فرضیه اصلی تحقیق عبارت است از این که هویت و حس تعلق به مکان بر رابطه شاخص‌های مشارکت اجتماعی، آموزش و امنیت با زیست‌پذیری بخش مرکزی شهر بجنورد تأثیر معنادار میانجی دارد. از این رو، شهر بجنورد به عنوان مطالعه موردی تحقیق انتخاب شده است تا فرضیه تحقیق در این شهر به آزمون گذاشته شود. دلیل انتخاب این است که شهر بجنورد و بویژه بخش مرکزی آن که در برگیرنده بافت ارزشمند تاریخی می‌باشد و محل سکونت بخش قابل توجهی از جمعیت شهر است، تاکنون با هدف ارزیابی شرایط زیست‌پذیری مورد توجه و مطالعه قرار نگرفته است. نکته دیگر این که از آنجایی که هدف تحقیق مطالعه اهمیت شاخص هویت و حس تعلق به مکان در زیست‌پذیری است، روشن شدن این موضوع و پرداختن به اهمیت این شاخص می‌تواند نقش مهمی در بهبود روزگار شهرنشینی و به ویژه وضعیت بخش مرکزی این شهر و سایر شهرهای کشورمان در آینده داشته باشد.

۲. متدولوژی

برای دستیابی به اجماع نظر درباره شاخص‌های زیست‌پذیری، جستجوی نظام‌مند با استفاده از واژه کلیدی زیست‌پذیری انجام شد. در این رابطه پایگاه‌های داده علمی از جمله آی‌ای‌ای^۲، سیستم‌های اطلاعات^۳، اس‌آی‌دی^۴ و ساینس دایرکت^۵ بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۸ مورد جستجو قرار گرفت. سپس، کیفیت متدولوژی آن‌ها

1. pan
2. IEEE
3. Information Systems
4. SID
5. Science Direct

ارزیابی شد. پس از این مرحله، انتخاب شاخص‌ها انجام شد. بر این اساس ابعاد و شاخص‌های مورد بررسی پژوهش مطابق جدول ۱ انتخاب شدند.

جدول ۱. متغیرهای آشکار و پنهان تحقیق

ردیف	متغیرهای پنهان	تعداد متغیرهای آشکار (سوال‌ها)
۱	امنیت فردی و اجتماعی	۳
۲	هویت و حس تعلق به مکان	۳
۳	مشارکت	۳
۴	امکانات آموزشی	۴
۵	امکانات و زیرساخت‌ها	۴
۶	حمل و نقل	۳
۷	اقتصاد و اشتغال	۴
۸	تفریحات و اوقات فراغت	۵
۹	فضای باز و عمومی	۵
۱۰	چشم انداز	۵

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

پژوهش حاضر از حیث هدف، کاربردی است، از نظر نحوه گردآوری داده‌ها از نوع پژوهش‌های توصیفی، شاخه مطالعات میدانی به شمار می‌رود و از جهت ارتباط بین متغیرهای پژوهش، از نوع همبستگی قلمداد می‌شود. جامعه آماری این پژوهش، ساکنان ناحیه ۷ شهر بجنورد می‌باشند. با وجود آنکه در مورد حجم نمونه لازم، برای تحلیل عاملی و مدل‌سازی ساختاری، توافق کلی وجود ندارد، اما به‌زعم بسیاری از پژوهشگران، حداقل حجم نمونه لازم ۲۰۰ مورد است (صادقی شاهدانی و خوشخوی، ۱۳۹۶). از این رو تحقیق حاضر برای اطمینان بیشتر و کسب بهترین نتیجه، تعداد ۳۸۴ نمونه را مورد بررسی قرار داده است.

برای نمونه‌برداری از روش نمونه‌گیری تصادفی در دسترس و برای جمع‌آوری داده‌های میدانی از ابزار پرسشنامه استفاده شد. در راستای کسب بیشترین و دقیق‌ترین اطلاعات، پرسشنامه‌ها به صورت حضوری و توسط محقق تکمیل شده است. روش مورد استفاده در این پژوهش، مدل‌سازی معادلات ساختاری^۱ به کمک روش حداقل مربعات جزئی^۲ و با نرم‌افزار Smart PLS نسخه ۳ است. زیرا این روش در مقایسه با روش‌های مبتنی بر کواریانس نسبت به وجود شرایطی مانند هم‌خطی^۳ متغیرهای مستقل و نرمال نبودن داده‌ها سازگار است (بهاری و همکاران، ۱۳۹۶) علاوه بر این به حجم نمونه نیز حساس نیست (رونکو^۴ و همکاران، ۲۰۱۶).

1. Structural Equation Modeling (SEM)
2. Partial Least Square (PLS)
3. Collinearity
4. Rönkkö

۲.۱. مدل مفهومی تحقیق

ترسیم مدل مفهومی با بررسی سوابق پژوهشی در زمینه مسئله تحقیق و متغیر میانجی انجام شده است. مدل مفهومی تحقیق با اقتباس از پژوهش رابن^۱ و ای کنی^۲ (۱۹۸۶) و گویزانی^۳ (۲۰۱۸) در شکل ۱ نشان داده شده است. طبق این مدل، تاثیر مشارکت اجتماعی (آموزش و امنیت) به عنوان متغیر مستقل در زیست‌پذیری که متغیر وابسته به شمار می‌رود با نقش میانجی هویت و حس تعلق به مکان بررسی می‌گردد. به عبارت دیگر چنانچه هویت و حس تعلق به مکان، یک متغیر میانجی باشد، در آن صورت بخشی از تاثیر مشارکت اجتماعی (آموزش و امنیت) بر زیست‌پذیری، به دلیل تاثیر آن بر هویت و حس تعلق به مکان خواهد بود.

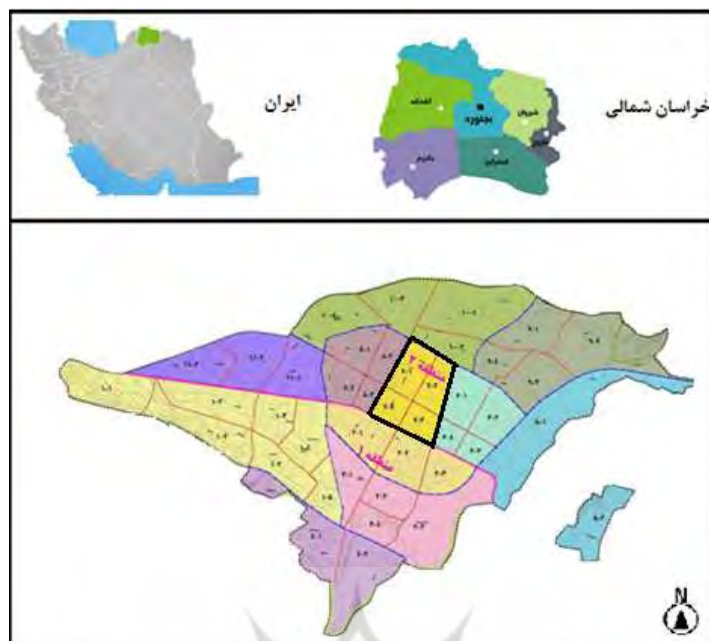


شکل ۱. مدل مفهومی تحقیق

۲.۲. محدوده مورد مطالعه پژوهش

شهر بجنورد مرکز استان نوپای خراسان شمالی در شمال شرق ایران و در کوهپایه‌های رشته‌کوه آلاداغ بنا شده است (شکل ۲). این شهر از جمله شهرهای بزرگ خراسان و چهل و چهارمین شهر کشور از نظر جمعیت است. بر اساس آخرین نتایج منتشر شده مرکز آمار ایران، ۲۳۳۸۱۰ نفر جمعیت و ۶۸۷۵۳ خانوار دارد (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). بر اساس تقسیم‌های شهرداری، شهر بجنورد دارای ۳ منطقه و ۱۱ ناحیه است.

1. Reuben
2. A. Kenny
3. Guizani



شکل ۲. محدوده مورد مطالعه پژوهش

به منظور ارائه تصویری مناسب از وضعیت زیست‌پذیری شهر بجنورد، ناحیه ۷ شهر به علت قرارگیری دو میدان اصلی شهر (میدان شهید و میدان کارگر)، بخش مرکزی و بافت سنتی و تاریخی در آن، به عنوان محدوده مکانی مورد مطالعه پژوهش انتخاب شده است.

۳. یافته‌ها

۳.۱. سیمای جامعه مورد مطالعه

در جدول ۲ به ویژگی‌های توصیفی جمعیت مورد مطالعه از جمله ترکیب سن، شغل، محل کار و تحصیلات پرداخته شده است تا چشم انداز روشنی از جامعه مورد مطالعه حاصل شود.

جدول ۲. اطلاعات دموگرافیک نمونه آماری

سن	نوجوانان (۱۸-۱۱ ساله)	جوانان (۲۹-۱۹ ساله)	میانسالان (۶۴-۳۰ ساله)	سالمدان (۶۵ ساله و بیشتر)
درصد فراوانی	۲,۸٪	۳۹٪	۵۷٪/۹	۰٪/۳
شغل	آزاد	کارمند	بدون پاسخ	دانشجو
درصد فراوانی	۵۷٪/۳	۲۲٪/۱	۱٪/۸	۱۱٪/۵
مدت سکونت	کمتر از ۱۰ سال	۲۰-۱۰	۳۰-۲۰	۴۰-۳۰
درصد فراوانی	۵۰٪/۲	۳۰٪/۹	۹٪/۴	۵٪/۶
				بیشتر از ۴۰ سال
				۷٪/۲
				بیکار و خانه دار
				۲٪/۵

مالکیت	مالک	بدون پاسخ	مستاجر
درصد فراوانی	۴۷٪/۴	۴٪/۹	۴۷٪/۷
تحصیلات	بی سواد	دیپلم	لیسانس و بالاتر
درصد فراوانی	۱۰٪/۹	۴۰٪/۶	۰٪/۸

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

۲.۳. سنجش و ارزیابی مدل‌ها و پرسشنامه تحقیق

برای تحلیل مدل‌ها در روش معادلات ساختاری با رویکرد حداقل مربعات جزئی، ابتدا باید به بررسی برازش مدل و سپس آزمون فرضیه‌های پژوهش پرداخت. برازش مدل در سه بخش، برازش مدل اندازه‌گیری، برازش مدل ساختاری و برازش مدل کلی انجام می‌شود. چنانچه برازش مدل اندازه‌گیری از نظر روایی و پایایی^۱ مورد تایید قرار گرفت، در مرحله بعد باید قابلیت‌های پیش‌بینی مدل و روابط میان سازه‌ها از مدل ساختاری مورد ارزیابی قرار گیرند. معیارهای ارزیابی مدل ساختاری شامل ارزیابی هم‌خطی، معیار ضریب تعیین و معیار استون‌گیسر^۲ است (رسولی و همکاران، ۱۳۹۷). در پایان، برازش مدل کلی با استفاده از شاخص نیکویی برازش سنجیده می‌شود.

با عنایت به مباحث گفته شده ابتدا به برازش مدل اندازه‌گیری پرداخته می‌شود که در آن پایایی و روایی مورد بررسی قرار می‌گیرد. سنجش روایی باید پس از تأیید پایایی صورت گیرد. پایایی از طریق سه آزمون آلفای کرونباخ^۳، پایایی ترکیبی^۴ و قابلیت اطمینان شاخص^۵ (بارهای عاملی) و روایی از طریق روایی همگرا^۶ و روایی واگرا^۷ سنجیده می‌شود (رسولی و همکاران، ۱۳۹۷). مقدار آلفای کرونباخ بالاتر از ۰/۶ نشانگر پایایی قابل قبول است (بیگی و همکاران، ۱۳۹۷). مقدار پایایی ترکیبی بزرگتر از ۰/۷ برای هر سازه، نشان از پایایی مناسب درونی مدل برای اندازه‌گیری دارد (رحیمی، ۱۳۹۴). قابلیت اطمینان شاخص، نشانگر پایایی معرف‌های یک سازه است (رسولی و همکاران، ۱۳۹۷). اگر بار عاملی کمتر از ۰/۳ باشد، رابطه ضعیف در نظر گرفته شده و از آن صرف نظر می‌شود. بار عاملی بین ۰/۳ تا ۰/۶ قابل قبول است و اگر بزرگتر از ۰/۶ باشد، رابطه بسیار مطلوب است (بیگی و همکاران، ۱۳۹۷). برای سنجش روایی همگرا از معیار میانگین واریانس استخراج شده^۸ (AVE) استفاده می‌شود. معیار میانگین واریانس استخراج شده، میزان همبستگی یک سازه را با شاخص‌های خود نشان می‌دهد (رسولی و همکاران، ۱۳۹۷). مطابق با مطالعات جوزف هیر و همکاران (۲۰۱۷) مقدار AVE باید از ۰/۵ بیشتر باشد. متداول‌ترین معیارها برای ارزیابی

1. Reliability
2. stone – Geisler criterion
3. Cronbach's Alpha
4. Composite Reliability
5. Indicator Reliability
6. Convergent Validity
7. Discriminated Validity
8. Average Variance Extracted

روایی واگرا شامل معیار فورنل لارکر^۱ و ارزیابی بارهای متقابل است. اخیراً علاوه بر این دو معیار، معیار هتروتریت-مونوتریت^۲ (HTMT) نیز برای ارزیابی روایی واگرا اضافه شده است (رسولی و همکاران، ۱۳۹۷). جدول ۳ و ۵، نشان می‌دهند که در این تحقیق معیارهای پایایی و روایی همگرا برآورده شده است. مقدار بارهای عاملی (قابلیت اطمینان شاخص) در جدول ۵ مشخص شده است.

جدول ۳. آلفای کرونباخ، میانگین واریانس استخراج شده (AVE) و پایایی ترکیبی (CR)

مدل‌ها	سازه‌ها	آلفای کرونباخ	CR	AVE
مدل ۱	مشارکت اجتماعی	۰/۸۵۹۲۰	۰/۸۸۵۶۳	۰/۷۲۰۹۳
مدل ۲	آموزش	۰/۶۸۶۱۸	۰/۸۱۰۴۶	۰/۵۱۸۹
مدل ۳	امنیت	۰/۷۸۳۷۴	۰/۸۷۳۵۶	۰/۶۹۷۳۷
	زیست‌پذیری	۱	۱	۱
	هویت	۰/۷۵۷۲	۰/۸۶۰۵۱	۰/۶۷۳۲

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

اولین معیار برای بررسی روایی واگرا معیار فورنل لارکر است. این معیار بیان می‌کند که ریشه دوم میانگین واریانس‌های استخراج شده (AVE) سازه باید بیشتر از بالاترین همبستگی آن سازه با سایر سازه‌های مدل باشد. مطابق جدول ۴، مقدار عدد قطر اصلی ماتریس‌ها از مقدار همبستگی که در خانه‌های زیرین و راست آن‌ها قرار دارد بیشتر است. از این رو در این پژوهش، سازه‌ها در مدل‌ها تعامل بیشتری با شاخص‌های خود دارند تا با سازه‌های دیگر. برای رعایت اختصار تنها اطلاعات مربوط به مدل ۱ در جدول ۴ آورده شده است.

جدول ۴. بررسی مقادیر ریشه دوم میانگین واریانس استخراج شده با همبستگی‌ها

مدل‌ها	سازه‌ها		
	سازه‌ها	سازه‌ها	سازه‌ها
مدل ۱	زیست‌پذیری	۱	هویت
	مشارکت اجتماعی	۰/۷۴۶۱۴	مشارکت اجتماعی
	مشارکت اجتماعی	۰/۸۴۹۰۷	هویت
	هویت	۰/۵۹۰۲۱	مشارکت اجتماعی

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

دومین شاخص برای بررسی روایی واگرا، بارهای عاملی متقابل^۳ است که همبستگی هر سازه را با معرف‌هایش نشان می‌دهد و باید از همبستگی آن سازه با معرف‌های سایر سازه‌ها بیشتر باشد. در غیر این صورت، روایی واگرا مدل زیر سوال می‌رود (رسولی و همکاران، ۱۳۹۷). طبق جدول ۵ همبستگی هر سازه با معرف‌هایش از همبستگی

1. Fornell - Larcker
2. Heterotrait-Monotrait Ratio
3. Cross-Loadings

آن سازه با معرف‌های سایر سازه‌ها بیشتر است و این حاکی از روایی و اگرایی مناسب مدل‌ها است. برای رعایت اختصار تنها بارهای عاملی متقابل مدل ۱ در جدول ۵ آورده شده است.

جدول ۵. بارهای عاملی متقابل

سازه‌ها			معرف‌ها	مدل‌ها
هویت	مشارکت اجتماعی	زیست‌پذیری		
۰/۸۲۵۸۹	۰/۳۱۴۲۶	۰/۴۵۲۲۱	هویت ۱	مدل ۱
۰/۷۸۷۷۹	۰/۳۶	۰/۴۵۹۰۳	هویت ۲	
۰/۸۴۵۹۸	۰/۳۹۲۵۹	۰/۵۳۳۸	هویت ۳	
۰/۳۷۶۳۵	۰/۸۲۹۰۳	۰/۶۰۷۹۷	مشارکت اجتماعی ۱	
۰/۳۸۰۶۷	۰/۸۳۳۷۸	۰/۶۲۹۵۶	مشارکت اجتماعی ۲	
۰/۳۵۴۳۷	۰/۸۸۳۳۵	۰/۶۶۱۹۱	مشارکت اجتماعی ۳	
۰/۵۹۰۲۱	۰/۷۴۶۱۴	۱	زیست‌پذیری	

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

معیار بعدی بررسی روایی و اگرایی نسبت هتروتریت-مونوتریت است. این معیار، به وضوح نسبت به معیار فورنل لارکر و بارهای متقابل، که عمدتاً قادر به تشخیص عدم روایی و اگرایی نیستند، عملکرد بهتری دارد. اگر مقدار HTMT برای تمام سازه‌های مدل کمتر از ۰/۹۰ باشد، روایی و اگرایی مدل تایید شده است (همان). نتیجه حاصل از بررسی مدل‌های مفهومی تحقیق، نشان می‌دهد که تمامی مقادیر HTMT کمتر از ۰/۹ هستند و روایی و اگرایی مدل تایید می‌شود. سپس به ارزیابی مدل ساختاری می‌پردازیم، برای این منظور در گام اول، مدل از نظر وجود هم‌خطی بین متغیرهای مستقل مورد بررسی قرار می‌گیرد. بررسی هم‌خطی براساس معیار شاخص تورم واریانس^۱ (VIF) است که برای هر سازه مستقل باید از مقدار ۵ کمتر باشد. در غیر این صورت باید سازه با سایر سازه‌ها ادغام، سازه حذف یا با ایجاد سازه مرتبه بالاتر سعی در رفع این مشکل نمود (رسولی و همکاران، ۱۳۹۷). نتیجه مشابه برای سایر مدل‌ها نیز به دست آمد. لذا می‌توان این مقدار از هم‌خطی را منطقی و قابل قبول دانست (جدول ۶).

جدول ۶. شاخص تورم واریانس (VIF)

سازه‌ها			سازه‌ها	مدل‌ها
هویت	مشارکت اجتماعی	زیست‌پذیری		
۱		۱/۲۳۴۸۴	مشارکت اجتماعی	مدل ۱
		۱/۲۳۴۸۴	هویت	

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

گام دوم برای ارزیابی مدل ساختاری، ضریب تعیین (R^2 یا R Square) است. این معیار، دقت پیش‌بینی مدل را نشان می‌دهد و تعیین می‌کند چند درصد از تغییرات متغیر وابسته تحت تأثیر متغیر مستقل تبیین می‌شود. البته طبیعی است که این مقدار برای متغیر مستقل برابر صفر باشد (طهماسبی و عابدینی، ۱۳۹۷). از نظر چین (۱۹۹۹)، مقادیر ۰/۱۹، ۰/۳۳ و ۰/۶۷ به ترتیب ضعیف، متوسط و قوی برآورد می‌شوند (رسولی و همکاران، ۱۳۹۷).

مطابق جدول ۷، در مدل ۱ حدود ۰/۶۴۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته زیست‌پذیری، توسط مشارکت اجتماعی و هویت بیان می‌شود. همچنین حدود ۰/۱۹۰ درصد تغییرات متغیر وابسته هویت توسط مشارکت اجتماعی تعیین می‌شود که حاکی از آن است که مقادیر ضرایب تعیین به دست آمده متغیر وابسته زیست‌پذیری و هویت به ترتیب در سطح متوسط و ضعیف قرار دارد که با توجه به سه مقدار ملاک، مناسب بودن برازش مدل ساختاری را تأیید می‌کند. با همان تفاسیر، در مدل ۲ و ۳ نیز مقادیر ضرایب تعیین به دست آمده متغیر وابسته زیست‌پذیری و هویت به ترتیب در سطح متوسط و ضعیف قرار دارد.

گام سوم در ارزیابی مدل ساختاری، استفاده از معیار استون‌گیسر (Q^2) است که نشان می‌دهد اگر در یک مدل روابط بین سازه‌ها به درستی تعریف شده باشد، سازه‌ها قادر به تأثیرگذاری کافی بر شاخص‌های همدیگر هستند و این امر موجب می‌شود که فرضیه‌ها به درستی ارزیابی گردند. چنانچه ضریب مثبت باشد مقادیر مشاهده شده به خوبی بازسازی شده‌اند و می‌توان نتیجه گرفت که مدل ساختاری از کیفیت مناسبی برخوردار است (بیگی و همکاران، ۱۳۹۷). در جدول ۷ مشاهده می‌شود که تمامی مقادیر Q^2 مثبت هستند و بار دیگر مدل ساختاری تأیید شد. برای رعایت اختصار تنها اطلاعات مدل ۱ در جدول ۷ آورده شده است.

جدول ۷. مقادیر Q^2 متغیرهای درون‌زای مدل‌ها و ضریب تعیین و میزان شاخص نیکویی برازش

مدل‌ها	سازه‌ها	Q^2	R Square	GOF
مدل ۱	زیست‌پذیری	۰/۶۲۶۷۳	۰/۶۴۳۳۳	۰/۵۴۲۲۰
	مشارکت اجتماعی	۰	۰	
	هویت	۰/۱۱۹۳۵	۰/۱۹۰۱۸	

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

در آخرین مرحله برای سنجش مدل کلی از معیار نیکویی برازش (GOF) استفاده می‌شود. این معیار تعیین می‌کند که یک مدل از پیش تعیین شده چقدر برای داده‌های به دست آمده از نمونه مناسب است (رجوعی و همکاران، ۱۳۹۵). سه مقدار ۰/۰۱، ۰/۲۵، ۰/۳۶ به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای GOF معرفی شده است (عباسی و چینی‌ساز، ۱۳۹۲). مطابق جدول ۷، مقادیر GOF بیشتر از ۰/۳۶ نشانگر برازش کلی قوی مدل ۱ پژوهش است. نتیجه مشابه برای سایر مدل‌ها نیز به دست آمد. پس از بررسی برازش مدل‌های اندازه‌گیری، ساختاری و کلی، برای

1. chin

2. Goodness of Fit – GoF

رد یا تأیید فرضیه‌های مستقیم (فرضیه‌های فرعی) از روش بوت استراپ^۱ استفاده می‌شود (جدول ۸). مقدار آماره تی در تمام فرضیه‌ها بزرگ‌تر از ۲/۵۷ است بنابراین در سطح اطمینان ۹۹٪ و سطح معناداری $P < ۰/۱$ ، تمام فرضیه‌ها (تأثیر معنادار آماری) را نمی‌توان رد کرد.

جدول ۸. آزمون فرضیات مستقیم پژوهش

مدل‌ها	مسیر	ضریب مسیر	آماره تی	سطح معناداری	نتایج فرضیات
مدل ۱	مشارکت اجتماعی -> زیست‌پذیری	۰/۶۰۳۵۴	۱۹/۳۰۰۹۶	۰	تأیید
	مشارکت اجتماعی -> هویت	۰/۴۳۶۰۹	۹/۱۳۹۱۹	۰	تأیید
	هویت -> زیست‌پذیری	۰/۳۲۷۰۱	۸/۸۵۳۲۸	۰	تأیید
مدل ۲	آموزش -> زیست‌پذیری	۰/۶۰۳۳۵	۱۷/۲۷۰۸۶	۰	تأیید
	آموزش -> هویت	۰/۳۱۸۱۶	۸/۳۱۸۳۱	۰	تأیید
	هویت -> زیست‌پذیری	۰/۳۵۹۶	۹/۳۸۰۰۳	۰	تأیید
مدل ۳	امنیت -> زیست‌پذیری	۰/۳۱۸۳۸	۵/۶۷۸۸۳	۰	تأیید
	امنیت -> هویت	۰/۵۹۳۶۶	۱۶/۷۹۸۵۳	۰	تأیید
	هویت -> زیست‌پذیری	۰/۳۹۸۹۳	۷/۸۲۳۱۵	۰	تأیید

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

برای بررسی فرضیه متغیر میانجی از آزمون‌های سوبل^۲ و گودمن^۳ استفاده شده است. در این آزمون‌ها یک مقدار آماره تی به دست می‌آید که در صورت بیشتر شدن این مقدار از $۱/۹۶$ می‌توان در سطح ۹۵ درصد معنادار بودن تأثیر میانجی یک متغیر را تأیید نمود (رد نکرد).

جدول ۹. آزمون فرضیه‌های غیرمستقیم پژوهش

مدل‌ها	آزمون‌ها	آماره تی	خطای استاندارد	سطح معناداری
مدل ۱	آزمون سوبل	۶/۳۵۸۳۶۰۲۳	۰/۰۲۲۴۲۸۰۸	۰/۰۰
	آزمون گودمن	۶/۳۷۸۰۹۰۹۷	۰/۰۲۲۳۵۸۷	۰/۰۰
مدل ۲	آزمون سوبل	۶/۲۲۲۰۶۳	۰/۰۲۲۰۶۵۸	۰/۰۰
	آزمون گودمن	۶/۲۴۲۹۵۷۴۷	۰/۰۲۱۹۹۵۴۸	۰/۰۰
مدل ۳	آزمون سوبل	۷/۰۹۲۲۲۲۲۸	۰/۰۳۳۳۹۲۷۵	۰/۰۰
	آزمون گودمن	۷/۱۰۲۵۷۱۳۴	۰/۰۳۳۳۴۴۰۹	۰/۰۰

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

1. Bootstrapping
2. Sobel test
3. Goodman test

با توجه به نتایج به دست آمده در جدول ۹ شاخص هویت و حس مکان در تمامی مدل‌ها نقش میانجی را بین زیست‌پذیری و شاخص مربوطه داشته است. در گام بعدی، برای تعیین میزان شدت اثر میانجی‌گر از معیار شمول واریانس^۱ (VAF) استفاده شده است. این معیار نسبت اثر غیرمستقیم به اثر کل را نشان می‌دهد و مقداری بین ۰ و ۱ را اختیار می‌کند، هر چه مقدار آن به یک نزدیک باشد تأثیر میانجی‌گر قوی‌تر قلمداد می‌شود (رسولی و همکاران، ۱۳۹۷). اگر

- $VAF < 20\%$ ، نقش تأثیر اثر میانجی بسیار جزئی است.
- $20\% \leq VAF \leq 80\%$ ، نقش تأثیر اثر میانجی متوسط است.
- $VAF > 80\%$ ، نقش تأثیر اثر میانجی قوی است (رسولی و همکاران، ۱۳۹۷).

مقدار VAF در تمامی مدل‌ها ۰/۴۹۹ به دست آمد به عبارتی دیگر، اثر میانجی در تمام مدل‌ها متوسط است و بدین معنی است که تقریباً نیمی از اثر مشارکت بر زیست‌پذیری، آموزش بر زیست‌پذیری و امنیت بر زیست‌پذیری، از طریق متغیر میانجی هویت و حس مکان تبیین می‌شود.

بنابراین و با عنایت به مباحث مطرح شده می‌توان گفت اگرچه در سال‌های اخیر در بسیاری از مطالعات زیست‌پذیری به اهمیت هویت و حس تعلق به مکان نگریسته شده است اما با توجه به اهمیت بعد مذکور که در مطالعه حاضر بدان پرداخته و تایید گردید، به نظر می‌رسد توجه به هویت و حس تعلق به مکان باید با دقت و تأکید بیشتری در مطالعات زیست‌پذیری صورت گیرد. چراکه چنان که مشاهده گردید نقش قابل ملاحظه‌ای در معنادار ساختن تأثیر سایر ابعاد و ویژگی‌های زیست‌پذیری دارد. از این رو پرداختن به شهر و مسائل و ویژگی‌های آن، با مطالعه و نگاه ویژه به بعد هویت و حس تعلق به مکان نه تنها زیست‌پذیری مکان سکونت و زندگی انسان را تایید می‌کند بلکه اهمیت پرداختن به مفاهیم انسانی و اجتماعی را در مباحث شهر و برنامه ریزی شهری نشان می‌دهد که به جرات می‌توان گفت مهمترین نیاز زندگی شهری عصر حاضر است. بنابراین مطالعه حاضر ضمن تایید لزوم بررسی بعد هویت و حس تعلق به مکان در مطالعات انجام شده در زمینه زیست‌پذیری، اثبات می‌کند که این بعد، نه تنها نقش مهمی در بررسی زیست‌پذیری یک مکان دارد، بلکه اثر قابل توجهی در تأثیرگذاری سایر ابعاد مورد مطالعه در زیست‌پذیری را نیز دارد. به بیان دیگر میزان اثرگذاری سایر شاخص‌های زیست‌پذیری، تحت تأثیر هویت و حس تعلق به مکان تغییر می‌کند. بنابراین غفلت از این بعد را جایز ندانسته و ضرورت هر پژوهش در زمینه زیست‌پذیری می‌داند.

۴. بحث

همانطور که از بخش یافته‌های پژوهش استنتاج گردید، ضرورت و اهمیت بعد هویت و حس تعلق به مکان در مطالعات زیست‌پذیری غیرقابل انکار است. موضوعی که متأسفانه اغلب مورد غفلت بیشتر مطالعات انجام شده در

۱. Variance Accounted For (VAF)

این زمینه واقع شده است. با این وجود می‌توان گفت پژوهش حاضر با مطالعات لاندری ۲۰۰۰، بالساس ۲۰۰۴، لیتمن ۲۰۰۴، هیلن ۲۰۰۶، موسسه حمل و نقل ویکتوریا ۲۰۰۸ و دیارتمان حمل و نقل امریکا ۲۰۱۰ در خارج از کشور و از میان پژوهش‌های داخلی، با مطالعات علمی و پژوهشی ماجدی و همکار (۱۳۹۳)، قیاسی و همکار (۱۳۹۵) و آروین و همکاران (۱۳۹۷) در پرداختن به هویت و حس تعلق در مطالعات زیست‌پذیری هم‌راستا می‌باشد. اما واقعیت این است که در بسیاری از مطالعات و پژوهش‌های انجام شده نیز به فراموشی سپرده شده است که نکته‌ای مهم و قابل بررسی می‌باشد. علاوه بر این نحوه نگاه و میزان تاثیرپذیری و اثرگذاری این بعد نیز در هیچ کدام از پژوهش‌های یادشده مورد توجه و بررسی قرار نگرفته است و به اهمیت آن پرداخته نشده است.

بنابراین اگرچه پرداختن به شاخص هویت و حس تعلق به مکان در مطالعات زیست‌پذیری موضوع جدیدی نیست اما آنچه پژوهش حاضر را از مطالعات پیشین متمایز می‌سازد پرداختن به اثرگذاری این شاخص‌ها بر سایر شاخص‌های مورد مطالعه و اثرگذار در پژوهش‌های مربوط به زیست‌پذیری است که بیانگر سهم نامساوی آن‌ها در تاثیر بر زیست‌پذیری شهری است. این مهم حکایت از آن دارد که هویت و حس تعلق به مکان حلقه مفقود شده همه تلاش‌ها برای بهبود شرایط زیست و سکونت در شهرهاست.

علاوه بر این در مطالعات میدانی انجام شده در بخش مرکزی شهر بجنورد اهمیت هویت و حس تعلق به مکان از جمله شاخص‌های زیست‌پذیری بود که بسیاری از ساکنین آگاهانه به افت و یا گاهای فقدان آن اشاره می‌کردند (پرسشنامه‌های تکمیل شده). بخش مرکزی شهر بجنورد که در دوران صفویه در مکان فعلی خود تجدید حیات کرده و تا حدود ۳۰۰ سال پس از آن رشدی آرام و منطقی در ابعاد مختلف اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی را در دل خود تجربه کرده است، امروز بسیاری از جنبه‌ها و بنیان‌های اجتماعی و فرهنگی خود را متزلزل و سست می‌بیند. به بیان دیگر کاهش و افت میزان هویت و حس تعلق به مکان در میان نمونه‌های میدانی این بخش حکایت از ضرورت توجه و تاکید به این مهم را دارد. همچنین مطالعات و مشاهدات میدانی در بخش مرکزی شهر بجنورد نشان می‌دهد اگرچه این بخش همچنان قلب تپنده و پویای اقتصاد شهر است اما طی دهه‌های گذشته و بویژه سال‌های اخیر این منطقه از نظر اقتصادی، اجتماعی، خدماتی و فرهنگی دارای مشکلات متعددی شده است. مهاجرت‌های گسترده از این بافت، رشد منفی جمعیتی آن و تغییر ساختار جمعیتی ساکنان آن موجب رکود اجتماعی، فرهنگی و فضایی این بخش ارزشمند و تاریخی شهر شده است. این غفلت و نادیده‌انگاری باعث شده است بخش مرکزی بدون حمایت و پشتوانه به مرور ایام ساکنان اصیل و قدیمی خود را از دست بدهد و روز به روز بی‌هویت‌تر و کم‌رونق‌تر به حیات خود ادامه دهد. آفتی که در سال‌های اخیر دامن‌گیر اغلب مراکز شهری در ایران شده است.

۵. نتیجه‌گیری

زیست‌پذیری مفهومی ساده و در عین حال پیچیده است. از این رو نه تنها اتفاق نظر در تعریف این مفهوم نسبتاً نو در برنامه‌ریزی شهری وجود ندارد بلکه شاخص‌های اندازه‌گیری آن نیز توسط پژوهشگران مختلف، متفاوت

است. با این وجود بررسی مطالعه‌ها و پژوهش‌های انجام شده حکایت از اشتراک برخی شاخص‌ها دارد. از جمله این شاخص‌ها می‌توان به شاخص هویت و حس تعلق به مکان، امنیت، مشارکت اجتماعی و امکانات آموزشی اشاره کرد. در این تحقیق به بررسی ارتباط بین این شاخص‌ها با یکدیگر پرداخته شد و نشان داده شد که شاخص هویت و حس تعلق به مکان نقش میانجی را در ارتباط بین سه شاخص دیگر با زیست‌پذیری دارد. به عبارتی دیگر بخشی از تأثیری که شاخص‌های امنیت، مشارکت و امکانات آموزشی بر زیست‌پذیری شهر دارند به دلیل تأثیر آن‌ها بر هویت و حس تعلق افراد به شهر است. بنابراین، با توجه به نتیجه به دست آمده از تحقیق، اهمیت تقویت حس تعلق به مکان و هویت در زیست‌پذیری نه تنها امری مهم است بلکه در بهبود اوضاع زیست و سرزندگی مکان‌های شهری ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است که سایر ابعاد و شاخص‌های اثرگذار بر شرایط زیست‌پذیری شهرها، محله‌ها و مکان‌های سکونت را نیز تحت تأثیر مستقیم و غیرمستقیم خود قرار می‌دهد. از این رو در ترازوی مطالعات زیست‌پذیری کفه مربوط به هویت و حس تعلق به مکان سنگین تر از سایر شاخص‌های مورد مطالعه می‌باشد، پس تاملی بیشتر و مطالعه‌ای عمیق‌تر باید در این باره صورت گیرد.

با عنایت به مباحث گفته شده، موارد زیر در راستای افزایش هویت و حس تعلق به مکان بخش مرکزی شهر

بجنورد پیشنهاد می‌شود:

- انجام مطالعات کاربردی شناسایی اولویت‌ها و نیازهای ساکنین بخش مرکزی شهر.
- افزایش تعاملات انسانی از طریق برگزاری مراسم‌ها و آیین‌های جمعی مشترک در بخش مرکزی بجنورد.
- جلوگیری از تغییر کاربری ساختمان‌ها و بناهای تاریخی بخش مرکزی شهر بجنورد.
- مطالعات کاربردی در راستای کشف و شناسایی عوامل مؤثر بر افزایش تعلق خاطر ساکنین بخش مرکزی به این مکان.

کتاب‌نامه

۱. اکبری، م.، بوستان احمدی، و.، موسوی، س.ج.، حاجی پور، ن. (۱۳۹۷). ارزیابی وضعیت زیست‌پذیری مناطق کلانشهر شیراز از منظر شهروندان. *برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، ۱۰ (۳۷)، ۱۵۴-۱۲۴.
۲. ایراندوست، ک.، عیسی لو، ع.ا.، و شاهمرادی، ب. (۱۳۹۲). شاخص زیست‌پذیری در محیط‌های شهری مطالعه موردی: بخش مرکزی شهر مقدس قم. *اقتصاد و مدیریت شهری*، ۴ (۱۳)، ۱۱۸-۱۰۱.
۳. آروین، م.، فرهادی خواه، ح.، پوراحمد، ا.، و منیری، ا. (۱۳۹۷). ارزیابی شاخص‌های زیست‌پذیری شهری بر اساس ادراک ساکنان (نمونه موردی شهر اهواز). *دانش شهرسازی*، ۲ (۲)، ۱۷-۱.
۴. بندرآباد، ع. (۱۳۸۹). *تدوین اصول الگوی توسعه فضایی و شکل شهر زیست‌پذیر ایرانی (مطالعه موردی مناطق ۱، ۱۵ و ۲۲ تهران)*. تهران: رساله دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.

۵. بهاری، ج.، بهاری، ش.، بذله، م.، و بهاری، ح. (۱۳۹۶). تأثیر کیفیت خدمات بر رضایت مشتری در صنعت هتل‌داری (مطالعه موردی: هتل‌های پنج ستاره شهر تبریز). *اندیشه جغرافیایی*، ۹(۱۷)، ۷۸-۵۹.
۶. حناچی، پ. (۱۳۹۶). سخن سردبیر. *مجله آبادی، ویژه نامه زیست‌پذیری*، ۷۶-۷۵، ۴.
۷. خراسانی، م. ا. (۱۳۹۷). تحلیل و ارزیابی تطبیقی دیدگاه ساکنان و مدیران محلی در رابطه با زیست‌پذیری روستاهای پیرامون شهری در شهرستان ورامین. *جغرافیا و توسعه*، ۵۱، ۲۸۰-۲۶۱.
۸. خزاعی نژاد، ف. (۱۳۹۴). تحلیل زیست‌پذیری در بخش مرکزی شهر تهران مورد پژوهش: محله‌های منطقه ۱۲. تهران: رساله دکتری، دانشگاه خوارزمی.
۹. خزاعی نژاد، ف.، سلیمانی مهنجانی، م.، و زنگانه، ا. (۱۳۹۷). ارزیابی زیست‌پذیری محله‌های منطقه ۱۲ شهر تهران. *جغرافیا و توسعه فضای شهری*، ۵(۱)، ۷۰-۴۵.
۱۰. رجوعی، م.، عربشاهی، م.، و مغانی، ح. (۱۳۹۵). رابطه متغیرهای طراحی ساختار سازمانی و اجرای مدیریت دانش در کتابخانه‌های عمومی شهر مشهد. *تحقیقات اطلاع‌رسانی و کتابخانه‌های عمومی*، ۲۲ (۱)، ۵۲-۳۱.
۱۱. رسولی، ن.، ترابی، م. ا.، و رسولی، م. (۱۳۹۷). گام به گام ۳ *smart pls*. تهران: مولفین طلایی.
۱۲. رضویان، م. ت.، شمس پویا، م. ک.، و ملاتبارلهی، ع. (۱۳۹۳). کیفیت محیط کالبدی و حس مکان مورد شناسی: دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی تهران. *فصلنامه جغرافیا و آمایش شهری - منطقه ای*، ۴(۱۰)، ۸۷-۹۶.
۱۳. سلیمانی مهنجانی، م.، تولایی، س.، رفیعیان، م.، زنگانه، ا.، و خزاعی نژاد، ف. (۱۳۹۵). زیست‌پذیری شهری: مفهوم، اصول، ابعاد و شاخص‌ها. *پژوهش‌های جغرافیای برنامه ریزی شهری*، ۴(۱)، ۲۷-۵۰.
۱۴. صادقی شاهدانی، م.، و خوشخوی، م. (۱۳۹۶). تحلیل مقایسه‌ای نقش مؤلفه‌های اقتصادی و فنی در بهبود کارایی مصرف انرژی بخش خانگی ایران. *فصلنامه تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی*، ۲۷، ۱۲۳-۱۷۵.
۱۵. صرافی، م.، رضویان، م. ت.، طالبیان، م. ح.، و اکبری، م. ر. (۱۳۹۸). سنجش و ارزیابی وضعیت مؤلفه‌های زیست‌پذیری خیابان از دیدگاه شهروندان (مطالعه موردی: خیابان ولیعصر تهران). *فصلنامه علمی پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی*، ۳، ۴۳۱-۴۱۵.
۱۶. طهماسبی، د.، و عابدینی، ع. (۱۳۹۷). رابطه بین بازاریابی بازی‌های رایانه‌ای و تمایل به خرید با نقش میانجی فرهنگ‌سازی. *مجله مدیریت بازاریابی*، ۱۳(۳۹)، ۸۱-۹۵.
۱۷. عباسی، ج.، و چینی‌ساز، ش. (۱۳۹۲). عوامل مؤثر بر خیرخواهی ارائه‌دهندگان خدمات مدیریت ثروت از دیدگاه مشتریان ثروتمند. *فصلنامه مدیریت کسب و کار*، ۵(۱۹)، ۸۵-۱۰۱.
۱۸. عیسی‌لو، ع. ا.، ایراندوست، ک.، و شاهمرادی، ب. (۱۳۹۴). شاخص زیست‌پذیری در محیط‌های شهری (مطالعه موردی: بخش مرکزی شهر مقدس قم). *فصلنامه اقتصاد و مدیریت شهری*، ۴(۱۳)، ۱۱۰-۱۱۸.
۱۹. قیاسی، ه.، و صرافانی گوهر، ا. (۱۳۹۵). تبیین مدل نظری ارتقاء حس مکان در طراحی معماری و شهر. مدیریت شهری، ۴۵، ۱۷۰-۱۴۷.
۲۰. ماجدی، ح.، و بندرآباد، ع. (۱۳۹۳). بررسی معیارهای جهانی و بومی شهر زیست‌پذیر. *هویت شهر*، ۸(۱۷)، ۷۶-۶۵.

21. Balsas, C. J. L. (2004). Measuring the livability of an urban center. an exploratory study of key performance indicators planning. *practice and research*, 19(1), 101-110.
22. De Chazel, J. (2010). A System approach to aivability and sustainability: defining terms and mapping relationships to link desires with ecological oppurtunities and constraints. *Systems Research and Behavioral Science Syst. Res.* 27. 585-597.
23. Dunstan, K. (2007). Creating an indicator of livability: the neighborhood livability assessment survey (NLAS). scotland: paper prepared for european urban research association (EURA) conference, 12-14 september, Glasgow.
24. EIU (Economist Intelligence Unit), 2014. available at www.economistgroup.com.
25. Ghanbaran, A., & Musavi, S. (2014). Planning urban open spaces for improving livability within city. *international journal of academic research*, 6(5), 148-152.
26. Guizani, M. (2018). The mediating effect of dividend payout on the relationship between internal governance and free cash flow. corporate governance: the international. *Journal of Business in Society*, 18(4), 748-770.
27. Hu Hai yan, H., & Gang, Z. (2012). AHP-based evaluation system model of livable cities. *Interdisciplinary Journal of Contemporary Research in Business*, 3, 34-40.
28. Lukuman, M., Sipan, I., Raji, F., & Aderemi, O. (2017). Sustainable livable housing: A review of what traditional urban areas residents find important. *International Journal of Built Environment and Sustainability*, 4(3), 190-198.
29. Pan, I., Zhang, L., Qin, S., Yan, H., Peng, R., & Li, F. (2021). Study on an Artificial society of urban safety livability change. *ISPRS Int. J. Geo-Inf.* 2021, 10, 70.
30. Raji, F., Baqutayan, S., Qutayan, B., Ariffin, A., Razali, M., & Kamarudin, N. (2016). Resident's perception on livability in affordable housing in Malaysia. *Journal of Technology Management and Business*, 3(1), 1-14.
31. Reuben, M., A. Kenny. (1986). The Moderator-mediator variable distinction in social psychological research: conceptual, strategic, and statistical considerations. *Journal of Pe~nality and Social Psychology*, 51(6), 1173-1182.
32. Rönkkö, M., McIntosh, C. N., Antonakis, J., & Edwards, J. R. (2016). Partial least squares path modeling: Time for some serious second thoughts. *Journal of Operations Management*, 47-48, 9-27.
33. Van Kamp, I., Leidelmeijer, K., Marsman, G., & De H. (2003). Urban environmental quality and human well-being: towards a conceptual framework and demarcation of concepts; a literature study. *Landscape and Urban Planning*, 5-18.